

مجتهد و مرجع تقلید بود. او در حوادث مهم سیاسی نقش اساسی داشت.

در آن دوره آیت‌الله حکیم به جای مرحوم نائینی نماز می‌خواندند، درس خارج هم می‌گفتند، اما هنوز مرجع تقلید نبودند. در این درس حدود چهل نفر شرکت می‌کرد. شاگردان آن مرحوم از قومیت‌های گوناگون بودند؛ عراقی، لبنانی، افغانستانی، ایرانی و... مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی وقتی که از دنیا رفت چند نفر از جمله آیت‌الله حکیم به عنوان مرجع شناخته شدند.

از دیگر چهره‌های معروف آن زمان مرحوم محمدعلی کاظمینی بود که با مرحوم ابوی روابط دوستانه داشتند. وقتی که ما در نجف بودیم ایشان محفل درس رسمی نداشت، ولی پس از رحلت آقا ضیا عراقی که ما در ایران بودیم، شنیدیم محفل درس و بحث مفصلی دارد. آن مرحوم خوش بیان، خوش قلم و خوش اندام بود. مردی وارسته و صریح‌اللهجه بود.

آیت‌الله خوئی نیز در آن زمان درس مختصری داشت که بعدها بسیار توسعه پیدا کرد. یکی دیگر از چهره‌های برجسته، محدث بزرگ مرحوم شیخ عباس قمی بود. مرحوم پدرم با ایشان سابقه دوستی داشت و بارها با هم از مشهد به سفر کربلا رفته بودند. ایشان در ابتدا در مشهد زندگی می‌کرد و بسیاری از آثارش در همین شهر به رشته تحریر درآمده است. مردی زاهد و ساده‌زیست بود. یکی دیگر از معارف مرحوم حاج شیخ علی قمی بود. ایشان در مسجد هندی نماز می‌خواندند و عمده مجتهدین و علما و طلاب در نماز آن بزرگوار شرکت می‌کردند. از دیگر معارف مرحوم حاج میرزا علی آقا قاضی بود. ایشان درس اخلاق ویژه‌ای داشتند که برخی از فضلا و بزرگان در آن شرکت می‌کردند از جمله آنان مرحوم آقا شیخ عباس قوچانی، آقا شیخ محمدتقی فومنی و جز ایشان بودند.

گویا در این برهه از زمان جنگ بین الملل شروع شده بود؛ لطفاً اگر ممکن است موضع علما و طلاب و به طور کلی

حوزه‌های علمیه را برابر این جنگ خانمانسوز بیان کنید. وقتی می‌خواستیم از راه قصرشیرین وارد سرزمین عراق شویم، شنیدیم پادشاه عراق ملک‌غازی درگذشته است یا او را کشته‌اند. پس از وی، فیصل دوم فرزند ملک‌غازی در آن وقت رشید عالی‌گیلانی سیاستمدار معروف عراق به نخست‌وزیری رسید. وی در ابتدا دست به اصلاحاتی زد که خوشایند انگلیسی‌ها نبود از این روی کابینه‌اش را ساقط کردند و او به ایران فرار کرد. البته بعد، او را رام خود ساختند و از وجودش استفاده کردند. در این برهه بود که انگلیس به بهانه حفظ پایگاه‌های خود مداخله کرد و دولت سازگار با خود را روی کار آورد. علما به مبارزه برخاستند و علیه دولت انگلیس و دست‌نشانندگان او در عراق، مردم را به مبارزه دعوت کردند. مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی، مرحوم آقای قمی، مرحوم کاشف‌الغطاء و... علیه نیروهای بیگانه و وجوب شرکت در مبارزه علیه انگلیس فتوا دادند.

**پس از شکست  
مشروطیت و نقش برآب  
شدن تلاش علمای  
راستین و بهره‌وری  
انگلیس و روی کار آمدن  
کسانی که با دیانت  
سروکاری نداشتند  
ورق برگشت و ایادی  
استعمار، جوی نامطلوب  
و نابهنجار آفریدند  
و بسیاری از علمای  
خوشنام و فداکار را با  
انگ‌های گوناگون از  
صحنه خارج کردند**



قدری از اوضاع و احوال حوزه علمیه نجف و فرهنگ حاکم بر آن حوزه را در زمانی که حضرت عالی در آنجا حضور داشتید، بیان بفرمایید.

در آن زمان ریاست و زعامت حوزه علمیه نجف با مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی بود. در ابتدای ریاست، ایشان از نظر مالی در مضیقه بودند و نمی‌توانستند با این بودجه کم طلاب و فضلا را از نظر مالی اداره کنند. بعد از جنگ جهانی و تغییر اوضاع، وضع ایشان از نظر مالی بهبود یافت و پس از این، شهریه‌ای را برای طلاب برقرار کردند. البته این شهریه به همگان و به طور منظم و مرتب داده نمی‌شد مگر به مقداری کم و غیرکافی؛ بلکه به افرادی خاص که از طرف بزرگان معرفی می‌شدند از ربع دینار تا دو دینار پرداخت می‌شد. این مقدار از شهریه برای اداره زندگی کافی نبود. طلاب به خاطر مشکلات مادی و نداشتن مسکن نمی‌توانستند ازدواج کنند، از این رو خیلی از طلاب در سن بالا ازدواج می‌کردند. مشکل ازدواج این‌گونه افراد را سرانجام مرحوم

سید حل می‌کرد و حتی اجاره‌خانه آنان را نیز می‌پرداخت. اما هر سال از مقدار طلاب و شاگردان مرحوم سید کاسته می‌شد. طلاب ایرانی به ایران برمی‌گشتند و کسی از ایران جای خالی آنان را پر نمی‌کرد. بسیاری از طلاب مسن ایرانی بلا تکلیف و حیران و سرگردان بودند که چه بکنند. از طرفی آمدن به ایران را صلاح خود نمی‌دانستند، زیرا حکومت رضاخان با روحانیت میانه‌ای نداشت و درصدد برانداختن این گروه بود و نمی‌گذاشت روحانی در بین مردم حضور بیابد و رشد کند و به تبلیغ دین بپردازد و در نهایت امرامعاش کند و از سوی دیگر، در نجف فارغ‌التحصیل شده بودند و کاری نداشتند.

کیفیت دروس در آن زمان به خاطر سن طلاب و محصلان از شادابی و رونق خاصی برخوردار نبود. اغلب محصلان بیش از ۴۰ سال سن داشتند و درس‌های لازم و معمول حوزه را فرار گرفته بودند و به فکر انجام وظیفه و سر و سامان دادن به زندگی خود بودند. البته افراد معدودی هم در همان سنین درس می‌خواندند و مباحثه می‌کردند. بهترین طلاب در این زمان شاگردان درس آقا ضیا عراقی بودند. این وضع نابهنجار ادامه داشت تا اینکه پس از جنگ بین‌المللی دوم و رفتن رضاخان از ایران، تشکیلات مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی رونق گرفت و توانست طلاب را تقریباً به قدر کفاف اداره کند. این گشایش جدید سبب شد جوانان زیادی از ایران برای کسب تحصیل و فراگیری دانش دینی در حوزه علمیه نجف جذب شوند که برخی از اینان از فضایی بنام شدند و برخی هم به سبب گرفتاری‌ها و مسائل مادی و دیگر عوامل از حوزه‌ها خارج شدند و به شغل روحانیت و گاهی به شغل دیگری پرداختند.

غیر از مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی، آیا مراجع دیگری هم بودند که در اداره مالی طلاب نقشی داشته باشند. خیر. دیگر علما در این بعد نقشی نداشتند، تنها مرحوم آیت‌الله قمی بود که تشکیلاتی در کربلا وجود داشت و به طلاب

یادنامه‌ای برای  
گرامیداشت مقام علمی  
استاد آیت‌الله  
محمد واعظزاده خراسانی

پاییز ۱۴۰۳

۵۳